

## نظام واجها در گویش فارسی زرندی

علی بابک

شهرستان زرنند در هفتاد و پنج کیلومتری شمال غربی کرمان در ارتفاع یک هزار و پانصد و پنجاه متری از سطح دریا قرار گرفته است. وسعت این شهرستان ده هزار و چهار صد و چهل و چهار کیلومتر مربع است و جمعیت آن در سال ۱۳۶۵ صدوسی و دو هزار نفر بوده است. زرنند با جاده‌ای آسفالت‌ه به کرمان پیوسته و افزون بر این در شبکه راه آهن جنوب شرقی ایران قرار دارد. مردم این شهرستان به یکی از گویشهای فارسی تکلم می‌کنند که با زبان رسمی معیار تفاوتی دارد. واجی و آوایی و صرفی و واژگانی دارد. میان فارسی زرنندی و فارسی کرمانی از نظر واجها تفاوتی نیست، جز آنکه کشش مصوت‌های زرنندی که اندکی بیش از فارسی است بسیار کمتر از کشش مصوت‌های کرمانی است. کشش مصوت‌های کرمانی تقریباً دو برابر کشش مصوت‌های فارسی است.

تفاوت‌های عمده زرنندی و کرمانی به قرار زیر است:

۱. i زرنندی در تعدادی از کلمات برابر u کرمانی است:

	کرمانی	زرنندی
بودن	budan	bidā
پوده	put	pit

۲. ā زرنندی در مواردی معادل o کرمانی است:

	کرمانی	زرنندی
مهر	mor	mâr
ظهر	zor	zâr

۳. ew زرنندی معادل o کرمانی است:

	کرمانی	زرنندی
نو	no:	new
جو	jō:	jew

آنچه در زیر می‌آید توصیف نظام واجی این گویش است. این مبحث فصل دوم کتابی است که نگارنده در توصیف این گویش به رشتهٔ تحریر در آورده است.

واج‌های زرنندی، در این جا، این‌گونه توصیف شده‌اند: نخست، مشخصهٔ آوایی هر واج را بیان کرده و سپس به منظور شناخت بیشتر واج، آن را با واج‌هایی که در جایگاه تولید، همانند و یا نزدیک به آن هستند، سنجیده‌ام. بنابر این واقعیت که فارسی و زرنندی، در واجگاه‌ها و چگونگی تولید واج‌ها، اختلاف چندانی ندارند، توصیفی بدین‌گونه، برای شناساندن واج‌های زرنندی به خواننده‌ای که فارسی می‌داند، کارایی لازم را دارد.

### توصیف صامت‌ها

b - ۱

ویژگی‌ها: دولبی؛ انسدادی؛ واک‌دار

سنجش‌ها:

۱-۱. p-b

bas = واحد چرخ چاه فعال در کار قنات - pas = پست. تقابل این دو واج در میانهٔ واژه

نامحسوس است و در پایان واژه از میان می‌رود.

۲-۱. f-b

bâš = دوم شخص امر bidā = (بودن) - fâš = ناسزا

sabâ = فردا - sofâ = پاکیزگی، یکرنگی، طراوت

sâb = صبح، فردا - sâf = پاکیزه، خالص

۳-۱. v-b

bel = بگذار - vel = دلبر. این دو واج در میانه واژه، معمولاً تقابلاً ندارند؛ افزوده بر این v در پایان واژه ظاهر نمی‌شود.

۴-۱. m-b

bâr = بار - mâr = مار

abr = ابر - amr = امر

xube = خوب است - xume = خام است

۵-۱. d-b

bidâ = بودن - didâ = دیدن

gorbe = گربه - gorde = گرده، کلیه

dib = دیو - did = دید

۲-p

ویژگی‌ها: دولبی؛ انسدادی؛ بی‌واک

سنجش‌ها:

۱-۲. b-p ← ۱-۱

۲-۲. m-p

pâre = پاره - mâre = مهره

kôpar = آلونک - kômar = کمر

gop = آوای بم برآمده از افتادن چیزی یا برخورد دو چیز با هم - gom = گم

۳-۲. v-p

پا = pâ - یا = vâ = وا، باز (متضاد بسته)  
 سَپَار = səpâr = بن مضارع ( اسپاردن ) - səvâr = سوار

۴-۲. f-p

پَاش = pâs = بن مضارع پاشیدن - faš = ناسزا  
 سَپَر = səpar = سپر - səfar = سفر  
 خَم شده به جلو - cof = لپ؛ گونه

۵-۲. t-p

پَهنا = pa.nâ - تنها = ta.nâ  
 نانِ گرده کلفت - copu = سوراخ کوچک  
 پوپ = pop = شش - pot = مو

۳-۳. v

ویژگی‌ها: لب و دندان؛ سایشی؛ واک‌دار  
 سنجش‌ها:

۱-۳. b-v ← ۳-۱

۲-۳. p-v ← ۳-۲

۳-۳. f-v

واهم = va.m - فهم = fa.m

۴-۳. m-v

واشک = vaški = ترسیده، رمیده - maški = منسوب به مشک  
 جَوال = jəvâl - جمال = jəmâl

۵-۳. t-v

بایست، متوقف شو - vâs = تاس = نوعی ظرف مسین  
 مَوا = məvâ = می‌باید - mətâ = تحفه

واج v در پایان واژه ظاهر نمی‌شود، در میانه واژه نیز هر جا ظاهر شود با واج‌های هم‌واجگاهش تقابل محسوسی ندارد.

#### f-۴

ویژگی‌ها: لب و دندانی؛ سایشی؛ بی‌واک  
سنجش‌ها:

۲-۱ ← b-f . ۱-۴

۴-۲ ← p-f . ۲-۴

۳-۳ ← v-f . ۳-۴

m-f . ۴-۴

fâš = ناسزا - mâš = ماش

šəfâ = شفا - šəmâ = شما (ضمیر شخصی)

kaf = کف - kam = کم

#### t-f . ۵-۴

fil = فیل - til = غلیظ

pofew = بیرون ریختن خوردنی از دهان با فشار هوا - potew = منادا واقع شدن

شخص پُرمو، به ریش‌خند

lâf = لحاف - lât = لات

#### m . ۵

ویژگی‌ها: دولبی؛ خیشومی؛ واک‌دار  
سنجش‌ها:

۴-۱ ← b-m . ۱-۵

۲-۲ ← p-m . ۲-۵

۴-۳ ← v-m . ۳-۵

۴-۴ ← f-m . ۴-۵

n-m . ۵-۵

mîš = میش - niš = نیش

simi = سیمی - sini = سینی  
xume = خام است - xune = خون است  
m و n در صورتی در پایان واژه ظاهر می‌شوند که آن واژه پیش از مصوت به‌کار رفته باشد.

n-۶

ویژگی‌ها: لثوی؛ خیشومی؛ واک‌دار  
سنجش‌ها:

d-n .۱-۶

nut = اسکناس - dut = دود  
čənâl = چنار - čədâl = لنگ، فلج (در توصیف گوسفند و امثال آن به‌کار می‌رود)

t-n .۲-۶

nar = نر - tar = تر  
pəñir = پنیر - pətir = فطیر

m-n .۳-۶ ← ۵-۵

d-۷

ویژگی‌ها: دندانی - لثوی؛ انسدادی؛ واک‌دار  
سنجش‌ها:

n-d .۱-۷ ← ۱-۶

t-d .۲-۷

dur = دور - tur = تور  
dure = ظرفی‌مانند کوزه با دهانه فراخ‌تر و پایه پهن‌تر - ture = شغال؛ d و t در پایان واژه  
تقابل ندارند.

r-d .۳-۷

dig = دیگ - rig = ریگ  
codu = کدو - coru = کبریا کوچک  
sad = صد - sar = سر

۷-۴. l-d

dard = درد - lard = بیرون، خارج  
 âdã = آدم - âlã = عالم  
 bâd = باد - bâl = بال

۸-t

ویژگی‌ها: دندان‌ی - لثوی؛ انسدادی؛ بی‌واک  
 سنجش‌ها:

۸-۱. n-t ← ۶-۲

۸-۲. d-t ← ۷-۲

۸-۳. r-t

tiše = تیشه - riše = ریشه  
 hãtew = همین‌طور - hãrew = هم‌سان، هم‌سطح  
 pit = پوده؛ پوک - pir = پیر

۸-۴. l-t

tew = تب؛ تاب - lew = لب  
 ma.tew = مهتاب - ma.lew = محله کوچک  
 dut = دود - dul = دلو

۸-۵. c/k - t

tal = تپه - kal = کچل  
 mâtã = ماتم - mâkã = محکم  
 dut = دود - duk = دوک

۹-z

ویژگی‌ها: لثوی؛ سایشی؛ واک‌دار  
 سنجش‌ها:

۹-۱. s-z

زور = zur - سور = sur = رمنده

کوزه = cuze - کوسه = cuse

رز = raz - رز = ras = بن مضارع (رسیدن)

۹-۲. d-z

زرد = zard - دارد = dard

جزا = jəzâ - جدا = jədâ

برز = borz - برد = bord

۹-۳. j-z

زهراکوچکه = zəru - jəru = کسی که زود خشمگین شود.

عزب = azab - عجب = ajab

باز، دوباره = bâz - باج = bâj

۱۰-s

ویژگی‌ها: لثوی؛ سایشی؛ بی‌واک

سنجش‌ها:

۱۰-۱. z-s ← ۹-۱

۱۰-۲. d-s

سور = sur - رمنده = dur = دور، دیر

می‌سوزد = misuze - می‌دوزد = miduze

بس = bas - بد = bad

۱۰-۳. t-s

ساییدن = sewvidâ - تایدن = tewvidâ

کرسی = corsi - منسوب به کُرت = corti

پست = pos - پوت = pot

f-s .۴-۱۰

فال = fâl - سال = sâl  
 نفر = nêfar - سایه = nêsar  
 لاس = lâs - لحاف = lâf

š-s .۵-۱۰

شور، شوهر = šur - رمنده = sur  
 کره اندک = mašew - مشک آب = mašew  
 نخ تابیده = riš - ریش = ris

r - ۱۱

ویژگی‌ها: لثوی؛ روان - زنشی؛ واک‌دار  
 سنجش‌ها:

d-r .۱-۱۱ ← ۳-۷

n-r .۲-۱۱

ریش = riš - نیش = niš  
 چوجه مرغ خانگی = čiri - چینی = čini

t-r .۳-۱۱

رخت = rax - تخت = tax  
 آرش = âreš - آتش = âteš  
 کور = cur - توده = cut

l-r .۴-۱۱

ریش = riš - لیج، گل سیاه بوی ناک = liš  
 بجه بز = ka.re - کله = ka.le  
 در = dar - در = dal

l - ۱۲

ویژگی‌ها: لثوی؛ روان - کناری؛ واک‌دار  
 سنجش‌ها:

۴-۷ ← d-l. ۱-۱۲

۴-۸ ← t-l. ۲-۱۲

۴-۱۱ ← r-l. ۳-۱۲

j-۱۳

ویژگی‌ها: لثوی - کامی؛ انسدادی - سایشی؛ واک‌دار  
سنجش‌ها:

ċ-j. ۱-۱۳

jâ = جا - ċâ = چاه

cojâ = کجا = coċâ = توله سگ‌ها

ج و ċ در پایان واژه تقابل ندارند.

۳-۹ ← z-j. ۲-۱۳

š-j. ۳-۱۳

jâ = جمع - šâ = شمع

haċi = حاجی - haši = بچه شتر

kaċ = کچ - kaš = کنش

y-j. ۴-۱۳

jâru = جارو - yâru = یارو

xâje = خواجه - xâye = خایه

واج y در پایان واژه ظاهر نمی‌شود.

ċ-۱۴

ویژگی‌ها: لثوی - کامی؛ انسدادی - سایشی؛ بی‌واک  
سنجش‌ها:

۱-۱۴. ۱-۱۳ ← j- ċ

۲-۱۴. ۲- ċ

čâl = موجود خیالی - sâl = پالان

mâċu = ماچ کوچک - mâšu = ماشاءالله کوچکه

geċ = گچ - geš = گوش تاگوش

š - ۱۵

ویژگی‌ها: کامی؛ سایشی؛ بی‌واک

سنجش‌ها:

۳-۱۳ ← j- š . ۱-۱۵

۲-۱۴ ← ċ- š . ۲-۱۵

۵-۱۰ ← s- š . ۳-۱۵

y - ۱۶

ویژگی‌ها: کامی؛ روان - شبه‌واکه‌ی بی‌واک دار

۴-۱۳ ← j-y . ۱-۱۶

i-y . ۲-۱۶

pâye = پای است، پایه - pâie = پای است. واج y در پایان واژه ظاهر نمی‌شود.

g - ۱۷

ویژگی‌ها: نرم‌کامی؛ انسدادی؛ واک‌دار

سنجش‌ها:

c/k - g . ۱-۱۷

guš = گوش - cuš = دامن

gar = گر - kar = کر

تقابل g و c/k در میانهٔ واژه نامحسوس است و در پایان واژه از میان می‌رود.

۱۷-۲.  $\gamma - g$

$\gamma olu = \text{گلوه} = \text{golou} = \text{غلامرضا کوچکه}$

۱۸-  $c/k$

ویژگی‌ها: نرم‌کامی؛ انسدادی؛ بی‌واک

توضیح: واج  $k$  اگر پیش از  $\hat{a}, o, ew$  یا  $u$  قرار گیرد معمولاً به صورت  $c$  (صامت انسدادی کامی، میان  $k$  و  $d$ ) تلفظ می‌گردد: «کفش»  $cew\check{s}$ ؛ «کف»  $cof$ ؛ «کاپ»  $c\hat{a}r$ ؛ «کار»  $cur$  («کور»).  
تنها در دو کلمه زیر  $c$  و  $k$  در تقابل قرار دارند:

«کام»  $c\ddot{u}$  ~ «مقعد»  $c\ddot{u}$

در کلمه «دکان» نیز که در زرنندی  $d\check{a}c\ddot{u}$  تلفظ می‌شود جانشین کردن  $k$  به جای  $c$  بار معنایی تحقیر و توهین را به کلمه می‌افزاید.

یادآوری می‌گردد که در زرنندی صامت غنه (دماغی) پایانی کلمات در صورتی که قبل از آن مصوت قرار گرفته باشد حذف می‌شود و مصوت قبل از صامت دماغی، به صورت غنه تلفظ می‌شود:  $\check{s}\ddot{u}$  «شام، مغرب»،  $j\ddot{u}$  «جان».

در دو واژه زیر نیز به ظاهر میان  $k$  و  $c$  تقابل برقرار است:

$koru$  «شخص کَر کوچک و بی‌مقدار» ~  $koru$  «کبرای کوچک و بی‌مقدار» اما در اینجا  $koru$  مبدل  $k\check{a}ru$  است که  $\check{a}$  تحت تاثیر  $u$  به  $o$  بدل شده است. تلفظ  $k\check{a}ru$  در زرنندی رایجتر از  $koru$  است.

سنجش‌ها:

۱۸-۱.  $g-c/k$  ← ۱۷-۱

۱۸-۲.  $c/k$

$c\ddot{u}\check{c} = \text{کوچ} - \gamma u\check{c} = \text{غوچ، قوچ}$

$\check{s}\hat{a}c\ddot{u}l = \text{فک} - \check{s}\hat{a}\gamma u\check{c}l = \text{شاغول}$

$b\hat{a}k = \text{باک} - b\hat{a}\beta = \text{باغ}$

۳-۱۸. q-c/k

car = qar - کار = qâr (نام آوای کلاغ)  
 çâkidâ = چاکیدن - çâqidâ = گرفتن چیز پرتاب شده  
 tâk = tâq - تاک = tâq = فرد

x-۱۹

ویژگی‌ها: ملازی؛ سایشی؛ بی‌واک  
 سنجش‌ها:

۱-۱۹. h-x

xâ = خم - hâ = هم  
 h معمولاً در آغاز واژه ظاهر می‌شود.

۲-۱۹. γ-x

xâl = خال - γâl = لانه پرنده و زنبور  
 naxâle = نخاله - naxâre = نقاره  
 nax = نخ - nax = نقد

۳-۱۹. q-x

xâlî = خالی - qâlî = قالی  
 çâxu = مقئی - çâqu = چاقو  
 âx = آخ - âq = عاق

۲۰-γ

ویژگی‌ها: ملازی؛ سایشی؛ واک‌دار  
 سنجش‌ها:

۲-۱۹ ← x-γ .۱-۲۰

q - γ .۲-۲۰

γârγâr = نام آوایی برای صدای اتومبیل - qârqâr = نام آوایی برای صدای کلاغ

γâl = لانه پرنده و زنبور - qâl = دعوا، بانگ و فریاد

γã = غم - qã = قیف

q - ۲۱

ویژگی‌ها: ملازی؛ انسدادی؛ بی‌واک

سنجش‌ها:

۳-۱۹ ← x-q .۱-۲۱

۲-۲۰ ← γ - q .۲-۲۱

h-q .۳-۲۱

qã = قیف - hã = هم

qãçĩ = قندچین، قندشکن گازانبری شکل - hãçĩ = همچنین

h - ۲۲

سنجش‌ها:

۱-۱۹ ← x-h .۱-۲۲

۳-۲۱ ← q-h .۲-۲۲

, - ۲۳

ویژگی‌ها: چاک‌نایی؛ انسدادی؛ بی‌واک

این واج‌ها تنها در آغاز واژه ظاهر می‌شود.

در گویش زرنندی نیز این واج همیشه پیش از مصوت آغازین ظاهر می‌شود و کاربردش به

اختیار نیست؛ از این روی با همه صامت‌هایی که در آغاز واژه ظاهر می‌شوند در تقابل است.

توصیف مصوت‌ها

a - ۲۴

ویژگی‌ها: پیشین؛ گسترده؛ افتاده

سنجش‌ها:

۲۴-۱. a-

zar = پول، بسیار ارزشمند - za:r = زهر

matew = متاب - ma:tew = مهتاب

ba = به منظور اعتراض و تعجب بیان می‌شود - ba: = به منظور اعتراض و تعجب فراوان بیان می‌شود.

۲۴-۲. â -a

tal = تپه - tâl = بن مضارع tâlidâ تالیدن (= شکافتن)  
na = قید نفی - nâ = هر قطعه بیضی شکل از راه آب سفالی

۲۴-۳. e-a

čaš = به روی چشم - češ = چشم

۲۵- a:

ویژگی‌ها: پیشین؛ گسترده؛ افتاده + کشش  
سنجش‌ها:

۲۵-۱. a-a: ← ۱-۲۴

۲۵-۲. â-a:

ba:d = بعد - bâd = باد

ba: = به منظور اعتراض و تعجب فراوان بیان می‌شود - bâ = حرف اضافه

۲۵-۳. e-a:

ja:r = گود، ژرف - jre = نام آوایی برای دریده شدن پارچه، جر خوردن

۲۵-۴. e:-a:

ma:r = مهریه - me:r = مهر

۲۶- e

ویژگی‌ها: پیشین؛ گسترده؛ میانه  
سنجش‌ها:

e:-e . ۱-۲۶

sel = بیماری معروف - se:l = سیر، تفرج  
kel = نام آوایی برای برخورد چیزهای فلزی و مانند آن - ke:l = پیمانه  
de = ده، روستا - de: = به معنای تعجب یا اعتراض.

۳-۲۴ ← a-e . ۲-۲۶

i-e . ۳-۲۶

nē = نم - nî = نیم

se = سه - si = سی

e: - ۲۷

ویژگی‌ها: پیشین؛ گسترده؛ میانه + کشش  
سنجش‌ها:

۱-۲۶ ← e-e: . ۱-۲۷

i-e: . ۲-۲۷

bix = بیخ - be:x = بیخت

۴-۲۵ ← a:-e: . ۳-۲۷

â-e: . ۴-۲۷

me:l = میل، رغبت - mâl = مال

pe: = پی، دنبال - pâ = پا

i - ۲۸

ویژگی‌ها: پیشین؛ گسترده؛ افراشته  
سنجش‌ها:

۳-۲۶ ← e-i . ۱-۲۸

۲-۲۷ ← e:-i . ۲-۲۸

â - ۲۹

ویژگی‌ها: پسین؛ گرد؛ افتاده  
سنجش‌ها:

۲-۲۴ ← a- â .۱-۲۹

۴-۲۷ ← e:- â .۲-۲۹

o-۳۰

ویژگی‌ها: پسین؛ گرد؛ میانه  
سنجش‌ها:

â-o .۱-۳۰

خال = xâl - خل = xol

ضمیر شخصی - tâ = حرف

u-o .۲-۳۰

دوش = cul - کل = col

ضمیر شخصی - tu = داخل

u-۳۱

ویژگی‌ها: پسین؛ گرد؛ افراشته  
سنجش‌ها:

۲-۳۰ ← o-u .۱-۳۱

â-u .۲-۳۱

آلت تناسلی پسرچه = ċal - موجود خیالی

چوب = ċâ - چاه

ew-۳۲

ویژگی‌ها: زبان از میانه به سوی سخت‌کام کشیده می‌شود و در فاصله کمی از آن می‌ماند؛ نرم‌کام راه عبور هوا از بینی را می‌بندد؛ نوک زبان پشت دندان‌های پیشین پایین می‌افتد؛ لب‌ها به گستردگی می‌گراید؛ بدین‌گونه دستگاه گفتار برای تولید e آماده می‌شود؛ بی‌درنگ پس از آغاز تولید،

فاصله میانه زبان و سخت‌کام بیشتر می‌شود؛ عقب زبان به نرم‌کام نزدیک می‌شود و هم‌زمان، نوک زبان تا سر دندان‌های پیشین پایین، بالا می‌آید؛ لب‌ها در گوشه‌ها به هم می‌آیند و گرد می‌شوند و تولید مصوت به پایان می‌رسد. به این نکته نیز اشاره می‌شود که لب‌ها در گردش، اندکی پیش می‌آیند ولی نه تا آن‌جا که در مرحله تولید *o* بمانند.  
سنجش‌ها:

۱-۳۲. e-ew

səkinew = سکینه کوچکه - səkine = سکینه  
sew = بن مضارع (sewvidā = ساییدن) - se = سه

۲-۳۲. o-ew

tew = تاب - to = ضمیر شخصی

۳-۳۲. u-ew

jew = جو (غله) - ju = جوی

۳۳- eu

ویژگی‌ها: برای تولید این مصوت، دستگاه گفتار، نخست در وضعیت تولید *e* قرار می‌گیرد؛ پس از آغاز تولید، بی‌درنگ عقب زبان به سوی نرم‌کام بالا می‌رود و در حداکثر ارتفاع ممکن می‌ماند؛ هم‌زمان نوک و جلو زبان به عقب کشیده می‌شود و زبان، از دو سوی پسین، اندکی به لبه دندان‌های آسیای بالا می‌ساید. در این حالت، نوک زبان تا موازی سر دندان‌های پیشین بالا، برافراشته است و لب‌ها تا آن‌جا گرد و جلو آمده است که هوا بتواند از آن بگذرد. دستگاه گفتار، این‌گونه در مرحله تولید *u* می‌ماند و تولید این مصوت مرکب به انجام می‌رسد.

این مصوت در واژه‌های کم‌شماری از واژه‌های ساده بسیط، ظاهر می‌شود:

jend = جهود، یهودی

ceu = کاهو

neur = نیست و نابود

\* سی‌وسه واج زرنندی از بیست‌وسه صامت و ده مصوت فراهم آمده.

\* از این واج‌ها *v* و *y* در پایان واژه ظاهر نمی‌شود.

\* h و , تنها در آغاز واژه کاربرد دارند.

\* دو واج m و n پیش از مصوت ظاهر می‌شوند. بنابراین، در هر واژه فارسی که صامت غنی‌ای m یا n به‌کار رفته باشد ولی نه پیش از مصوت، در زرنندی صامت غنه‌ای می‌افتد و مصوت پیش از آن غنه‌ای می‌شود.

\* صامت‌های b, p, d, t, j, c, k و g در پایان واژه تقابل ندارند.

\* ظاهر شدن بیش از یک صامت پایانی، در زرنندی معمول نیست.

\* آغاز به مصوت، در زرنندی نیز، ممکن نیست.

\* از امکان اجتماع دو صامت آغازین درگوش زرنندی، نمی‌توان با اطمینان سخن گفت و باید منتظر بود تا در این مقوله پژوهشی دقیق و گسترده با بهره‌گیری از امکانات آزمایشگاهی انجام گیرد.

### صامت‌های زرنندی

چاکنایی		ملازی		فرم‌های می		کامی		لثوی		دندانی لثوی		لبی و دندانی		دولبی		جای تولید
انسدادی	سایشی	انسدادی	سایشی	انسدادی	نیم‌واگویی	سایشی	انسدادی - سایشی	روان		انسدادی	سایشی	انسدادی		سایشی	شیوه تولید	
							کناری	زنبی	دماغی			دماغی	دندانی			
			γ	g	y	j	l	r	n	z	d	v	m	b	باواک	
,	h	q	x	k/c	š	č				s	t	f	p	بی‌واک		

### مصوت‌های زرندي

پسين	پيشين		
	بي‌کشش	باکشش	
u	i		افراشته
o	e	e:	ميانی
â	a	a:	افتاده

### مصوت‌های مرکب زرندي

